

ای جان دل ز شهر صفاهان سفر مکن
 مارا چو لاله در غم خود خو نگر مکن
 بگذار در غم تو بسوزم بحال خویش
 زین بیش آتش دل من شعله ور مکن
 بنگر در آب زیده ~~لله~~ ~~من~~ ~~رو~~ ~~ب~~ ~~اه~~ ~~خو~~
 در زنده رود عکس قمر را نظر مکن
 من غنچه ی محبت خود می دهم به تو
 این نو گل عزیز هوا زود پسر مکن .

سعدت زن

آن شنیدم که باز در آستان
 گفتند از حجاب زن باشد
 مدعی کس است این چه غوغای است؟
 که هر نزار این سخن باشد!
 کس چنین گفت بدند اسلام؟
 که زن رفته در کفن باشد
 منت عفت با بهره پوشاندن
 باکی حال حجاب تن باشد
 چند هزار سدری کبودر باشد

سنت باشد در تملک نفس
 تا که زن تیز حوک عدل باشد
 تا سوزد دست و ظاهر بین
 زن که کرد و گو که سن باشد
 هم دروغی به روح او دادند
 که کون کسے دشمن باشد؟
 زن اگر نیک تربیت یابد
 طریقی خار این سخن باشد
 مگذارند زن در این کور
 بیش از این بار اسرمن باشد

می رود درین سعادت زن
 هر که دلداره وطن باشد

۱۳۲۲

از کجا = کجا هر کور او